

رأی ندادن در حوزه‌هایی که امکان رقابت مؤثر وجود دارد تاکتیک مناسبی برای انتخابات مجلس هشتم نیست

متن اصلی تنظیم شده گفت‌وگوی خبرنگار اعتماد ملی با محمد توسلی

انتشار ۸۶/۱۲/۱۶

مجلس مطلوب یا آرمانی مجلسی است که در چارچوب قانون اساسی و معیارهای شناخته شده انتخابات آزاد، سالم، منصفانه یا رقابتی تشکیل شده باشد. این انتخابات چند ویژگی دارد؛ اول این که آزاد باشد، یعنی مردم این امکان را داشته باشند که نظرهای مختلف را بشنوند و در جریان برنامه‌های مختلف قرار گیرند و به برنامه‌ای که فکر می‌کنند پاسخگوی نیاز جامعه است، رأی دهند.

البته همه اینها لازمه‌اش آزادی مطبوعات و آزادی گردش اطلاعات و در واقع آگاهی جامعه است. مرحله بعدی آزادی، آزادی انتخاب شدن و انتخاب کردن است. مردم باید در چارچوب قانون، این حق را داشته باشند که بتوانند نامزد شوند. هم براساس قانون اساسی، هم براساس معیارهای جهانی شناخته شده و هم اعلامیه جهانی حقوق بشر چنین حقی به رسمیت شناخته شده است. براساس سازوکاری هم که در قانون اساسی ما پیش‌بینی شده، هیأت‌های اجرایی از معتمدین شهر و منطقه هستند و افرادی که در این هیأت‌ها هستند نباید وابستگی سیاسی به گروه، محفل یا حلقه‌ای خاص داشته باشند. آنها در حقیقت نمایندگان قشرهای مختلف جامعه و معتمدین مردم هستند و از طرف مردم رعایت قانون را نظارت و کنترل می‌کنند. در ارتباط با شورای نگهبان هم همین‌طور، در قانون اساسی در اصل ۹۹ پیش‌بینی بسیار روشنی درباره وظیفه شورای نگهبان شده است. این شورا وظیفه دارد بر دستگاه اجرایی انتخابات، نظارت کند. در مشروح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی هم تصریح شده که جایگاه آنها به عنوان یک ناظر بی‌طرف است که مراقب باشند دستگاه اجرایی خلاف قانون و حقوق شهروندان عمل نکند. بنابراین حضور هیأت‌های اجرایی و نظارت هم در راستای تضمین سلامت و آزادی انتخابات است تا مردم آگاهانه و آزادانه بتوانند ابراز وجود کنند و تشخیص خود را از طریق انداختن رأی در صندوق‌ها به منصفانه ظهور برسانند. این فرآیندی است که در قانون اساسی پیش‌بینی شده، اما متأسفانه در کشور ما این مفاهیم ابتدایی که همه جای دنیا مورد پذیرش است، قلب شده است.

از این رو تکلیف آگاهان این است که آگاهی خود را به جامعه منتقل کنند و تکلیف رسانه‌ها نیز این است که این آگاهی نخبگان را در اختیار مردم قرار دهند و در واقع توضیح دهند که انتخابات آزاد چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد و توضیح دهند در جامعه‌ای که انتخابات آزاد باشد، مجلس منتخب مردم باشد و ملت بر سرنوشت خود حاکم باشد، در این صورت برنامه‌های توسعه‌ای کشور می‌تواند با پشتیبانی کامل مردم عملی و اجرایی شود. این پیامد انتخابات آزاد و جامعه دموکراتیک است که در آن ملت می‌تواند شاهد توسعه و پیشرفت و دستیابی به آرمان‌ها و منافع ملی باشد.

در سویی دیگر وظیفه مردم نیز این است که بر اساس واقعیت‌ها عمل کنند تا گامی در جهت شرایط مطلوب انتخابات برداشته شود. طی این سالها نیز جریان‌های مؤثر اجتماعی از همین زاویه به انتخابات نگاه کرده‌اند، در آنها حضور پیدا کرده‌اند و متناسب با شرایط، تاکتیک‌های لازم را برگزیده‌اند.

مردم نیز بر اساس همین تجربه تاریخی در هر مقطعی با فرصت‌هایی که فراهم می‌شود، چگونگی تاکتیک خود را برای تقویت جریان‌هایی که به انتخابات آزاد، حقوق اساسی ملت و آرمان‌های انقلاب باور دارند، انتخاب کنند.

ما در انتخابات مجلس ششم هم با ردصلاحیت مواجه بودیم اما تعدادی از اصلاح‌طلبان در همان شرایط که مطلوب و آرمانی نبود به مجلس راه یافتند. اکنون هم که در برخی از حوزه‌ها امکان رقابت نسبی فراهم شده است مردم باید ببینند در این حوزه‌ها چه کسانی واجد شرایطند و توان و شجاعت دفاع از حقوق اساسی مردم را دارند، رأی دهند.

اما رأی ندادن در شرایطی که اکثریتی قابل ملاحظه، همه این شرایط نامطلوب را باور داشته باشند و بر این ارزش‌ها پایداری کنند، کاملاً دموکراتیک است و در جهت تقویت فرایند دموکراسی عمل می‌کند. اما در شرایطی که جامعه ما از فضای باز سیاسی برخوردار نیست، گردش آزاد اطلاعات در آن وجود ندارد و با حضور رسانه‌های مؤثر مردم به پای صندوق‌های رأی کشیده می‌شوند؛ شرکت نکردن در انتخابات وقتی بیش از ۵۰ درصد مردم به پای صندوق‌های رأی می‌روند، تأثیر قابل ملاحظه‌ای ندارد و منجر به تغییر و اصلاح نمی‌شود. تجربه نشان داده است که در شرایط کنونی مردم ما با حضور در انتخابات می‌توانند نقش مؤثرتری در تعیین سرنوشت و تأثیر در فضای سیاسی داشته باشند.

انتخابات دوره سوم شوراهای اسلامی شهر و روستا را نگاه کنید، در آن انتخابات لیست اصلاح‌طلبان در استانها حدود ۴۰ درصد برنده شد، در حالی که لیست دولت نهم فقط ۳ درصد برنده بود.

پس مردم با آگاهی و حضور خود در عرصه انتخابات می‌توانند عمل کنند، با خانه‌نشینی غیرسازمان‌یافته نمی‌توان تأثیر مستقیمی داشت.

البته از منظر ارزشی، وجدان فرد راحت است که در یک انتخابات غیرآزاد و ناسالم شرکت نکرده و شناسنامه‌اش مهر نخورد. این مسأله به‌لحاظ وجدان شخصی مهم است، اما در فرآیند تحولات اجتماعی، اگر بخواهیم بر این تحولات تأثیرگذار باشیم و عدم مشارکت گسترده امکان‌پذیر نباشد، آن وقت رأی دادن براساس آن چه که پیش از این گفته شد می‌تواند تأثیرگذارتر باشد. یادمان باشد که ما در حال زندگی در عالم واقعیت‌ها هستیم.

در این بین توجه به این نکته نیز نباید مورد غفلت واقع شود که کسی باید نماینده مردم شود که بتواند از حقوق اساسی ملت در مجلس دفاع کند. کسی که در مجلس مرعوب می‌شود و قدرت و توان اظهارنظر ندارد، نمی‌تواند نماینده صادقی برای ملت باشد. در مجلس هفتم، اصلاح‌طلبان اقلیت بودند و در مجلس حضور داشتند، اما سؤال اینجاست که این اقلیت چقدر توانست بازگوکننده مطالبات مردم و انجام وظائف نمایندگی باشد؟ آنها بیشتر منفعل بودند، در مجلس اول مرحوم مهندس بازرگان، مرحوم دکتر سحابی و ... فراکسیون اقلیت بودند اما در همان مقطع پیام مردم را در فرصت‌های مناسب در نطق‌های خود در مجلس منتقل کردند. در نگاهی تاریخی به افرادی چون مدرس و مصدق می‌رسیم که با اینکه یک نفر بودند، اما آن جسارت و توان را داشتند که بتوانند از حقوق اساسی ملت دفاع کنند. مردم نباید نماینده‌ای داشته باشند که دنبال ماشین و مزایای نمایندگی باشد. نماینده مطلوب کسی است که بتواند به وظایف نمایندگی‌اش براساس قانون اساسی عمل کند؛ چون سوگند یاد می‌کند، به این سوگند وفادار باشد و حقوق ملت را دنبال کند.

از یاد نبریم که مجلس جایگاه برجسته‌ای دارد، عصاره فضایل ملت است و باید بتواند در سطح ملی سیاست‌گذاری کند. همان‌طور که شوراهای شهر و روستا در سطح شهر، استان و ... نماینده مردم هستند و برنامه‌ریزی می‌کنند، مجلس شورای اسلامی هم وظایفی ملی برعهده دارد و مطالبات تاریخی ملت را دنبال می‌کند.

براین اساس هم ما باید به کسانی رأی دهیم که بتوانند در حوزه‌های مختلفی که مجلس درگیر است، توان کارشناسی داشته باشند و وظایف نمایندگی را به نحو احسن انجام دهند، نه اینکه تنها شنونده باشند.